



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

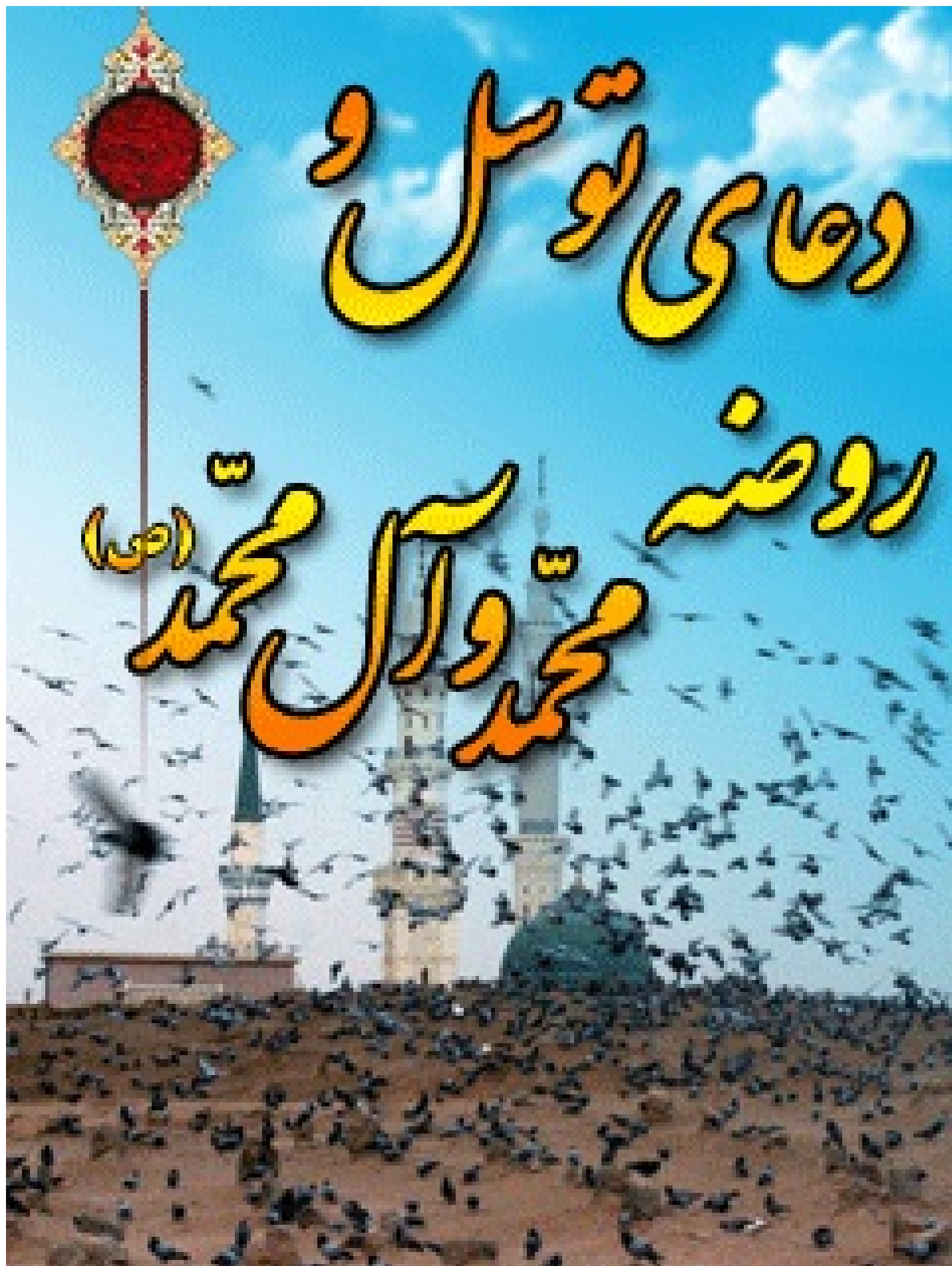


عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

دعای توسل و

روضہ محمد و آل محمد (ص)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

نویسنده:

علی میرخلف زاده

ناشر چاپی:

نشر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (ص)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	روضه و مصیبت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله
۱۰	نوحه و سینه زنی
۱۲	روضه و مصیبت حضرت امام علی علیه السلام
۱۳	نوحه و سینه زنی
۱۴	روضه و مصیبت حضرت زهرا ام الائمه علیها السلام
۱۵	نوحه و سینه زنی
۱۶	روضه و مصیبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
۱۷	نوحه و سینه زنی
۲۱	نوحه و سینه زنی
۲۲	روضه و مصیبت حضرت امام زین العابدین علیه السلام
۲۳	نوحه و سینه زنی
۲۴	روضه و مصیبت حضرت باقرالعلوم علیه السلام
۲۶	نوحه و سینه زنی
۲۸	روضه و مصیبت حضرت امام صادق علیه السلام
۲۹	نوحه و سینه زنی
۲۹	روضه و مصیبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام
۳۳	روضه و مصیبت حضرت امام رضا علیه السلام
۳۴	نوحه و سینه زنی
۳۵	روضه و مصیبت حضرت امام جواد علیه السلام
۳۶	نوحه و سینه زنی

۳۸	روضه و مصیبت حضرت امام هادی علیه السلام
۳۹	نوحه و سینه زنی
۴۱	روضه و مصیبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
۴۳	نوحه و سینه زنی
۴۴	فراق امام زمان
۴۶	نوحه و سینه زنی
۴۷	دعای توسل
۴۹	پی نوشتها
۵۳	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : میرخلف زاده علی ۱۳۴۳- عنوان قراردادی : دعای توسل فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور : دعای توسل و روضه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله علی میرخلف زاده مشخصات نشر : قم محمد و آل محمد (ص ۱۳۸۲). مشخصات ظاهری : [۷۲] ص شابک : ۱۰۰۰ اریال (چاپ دوم) یادداشت : فارسی - عربی یادداشت : چاپ دوم : ۱۳۸۵. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : دعای توسل موضوع : روضه خوانی موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴. موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴. رده بندی کنگره : BP۲۶۰/۴ / م ۷۵۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴ شماره کتابشناسی ملی : م ۱۳۰۶۲-۸۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

لعالمين والعاقيه لاهل التقوى واليقين الصلوه والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب اله العالمين ابى القاسم محمد صلى الله عليه وآله المعصومين الذين اذهب الله عنهم الرجس (اهل البيت) وطهرهم تطهيرا سيما ناموس السّهر وولى الامر روحى وارواح العالمين له الفداء .

حمد و سپاس بی انتها مخصوص پروردگاریست که محبت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را در قلبم نهاد و بر این بنده کوچک منت گذاشت و طین مارا با ولایت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله عجین فرمود و درود بی حد ، بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که ما را مورد لطف و عنایات خودشان قرار دادند که بتوانیم قطره ای از مصائب آنها را بدید و سمع خوانندگان برسانیم .

یکی از علائمی که از شعائر

و نشانه های تقوی و رشد معنوی است ، عزاداری و سوگواری و نوحه سرایی و گریه برای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است و به قول آقا امام صادق علیه السلام که فرمود : هر کس مصیبت های ما را یاد کند یا مانزد او یاد آور شویم و به اندازه بال مگسی برای ما اشک بریزد ، خدا تمام گناهان او را گر چه به اندازه کف دریا باشد می بخشد .

هر کس برای مظلومی ما و ظلمی که به ما شده مهموم و مغموم و گریان شود و برای ما آه بکشد خدای سبحان ثواب تسیح به او می دهد ، و حزنش برای ما عبادت است ، هر کس چشمش گریان شود برای خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته شده یا حرمت و شخصیت ما را هتک کرده شده ، خداوند همیشه جای او را در بهشت قرار میدهد .

فتم جزوه ای بنویسم که از روی آن خوانده شود و شیعه ای گریه کند و ما را در ثواب اندازد البته این مجموعه مختصر بنام روضه محمد و آل محمد صلی علیه و آله سلم است که انشاء الله اگر خدا توفیق داد یک کتاب کامل در این زمینه نوشته خواهد شد ، (بنام روضه الشهداء یا روضه و مصیبت نامه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله) انشاء الله مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار و ثواب این مختصر به روح تمام شهدا و علماء و فضلا و امام راحل

و برادر شهیدم شیخ احمد میرخلف زاده واصل گردد .

روضه خوان محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

علی میرخلف زاده

۶/۶/۸۱

روضه و مصیبت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . ای دل بیا که موسم آه و فغان رسید

یعنی عزای خاتم پیغمبران رسید

اسلام خوار و عزت ایمان به باد رفت

از این مصیبتی که به اسلامیان رسید

خدا لعنت کند آن زن یهودیه ای را که توی غذای پیغمبر زهر ریخت ، آخه ، این چه زهری بود که پیغمبر را آب کرد و توی بستر انداخت و هی بهوش میاید و هی از هوش میره .

آقا رسول الله صلی الله علیه و آله صدا زد : همه از اطاق و حجره بیرون برند ، به ام سلمه فرمود : دم در اطاق بایست ، نگذار کسی وارد اطاق بشه .

صدا زد : یا علی نزدیک من بیا ، می خوام با تو خدا حافظی کنم ، آخه وقت وداع . بعد دست میوه دلش ، نور دیده اش زهرا علیها السلام را گرفت به سینه اش چسباند ، دست برادرش علی علیه السلام را گرفت ، همینطور توی صورت علی و زهرا علیهما السلام نگاه می کرد و قطرات اشک از چشمهای مبارکش می ریخت ، می خواست حرف بزنه ، بعض راه گلایش را میگرفت و نمی توانست صحبت کند .

صدای گریه اهل بیت بلند شد . علی علیه السلام سر پیغمبر تو دامنش گذاشت ، آخه لحظه های آخر عمر پیغمبر

بی بی فاطمه علیها السلام صدا زد؛ یا رسول الله با گریه ات دلم را پاره پاره کردی ، جگرم را سوزاندی ، سینه پر حسرتم را آتیش زد ، پیغمبر بی بی را به سینه اش چسباند و روی فاطمه علیها السلام را هی می بوسید و هی گریه می کرد .

امام حسن و امام حسین علیهما السلام را توی بغلش گرفت و صدای الوداع الوداع ، و گریه و خروش و شیون الوداع از زمین و آسمان بلند بود . . . (۱)

یک قدم بریم کربلا- ، آی گرفتارها ، آخ من بمیرم برای آن دختری که خواست از بدن باباش حسین خدا حافظی کنه ، خودش را انداخت روی بدن پاره پاره باباش حسین علیه السلام . . . آمد صورت پدرش را بوسه دید باباش سر در بدن ندارد . . (۲)

نوحه و سینه زنی

در ماتم ختم رُسل عالم گرفته

مولا امیرالمؤمنین ماتم گرفته

واویلتا واویلتا یا رسول الله

گم گشته در غبار غم شهر مدینه

مولا علی بر سر زند ، زهرا به سینه

واویلتا واویلتا یا رسول الله

خیز و نظر کن بر حسن یا رسول الله

لبهای او را بوسه زن یا رسول الله

واویلتا واویلتا یا رسول الله

خیز و حسنینت را بگیر همچو جان در بر

زیر گلویش را ببوس یکبار دیگر

واویلتا واویلتا یا رسول الله

دیدنی چگونه داده شد اجر پیغمبر

بیت الولا آتش گرفت الله اکبر

واویلتا واویلتا یارسول الله

آتش کشد از خانه مولا زبانه

صاحب عزا را می زند با تازیانه (۳)

یا اَبَا الْحَسَنِ یا امیرَ الْمُؤْمِنینَ یا عَلِیَّ بْنَ اَبی طَالِبٍ ، یا حُجَّجَهَ اللهُ عَلَی خَلْفِهِ یا سَیِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَی
اللهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَیْنَ یَدَیْ حَاجَاتِنَا

، يا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصيبت حضرت امام علي عليه السلام

كوفه رابگرفته موج اشك و ماتم

در عزای اولین مظلوم عالم

لاله گون دامان محراب دعا شد

شاهد مظلومی شیر خدا شد

آخ من بمیرم برای آن آقای مظلومی که تا خواست سراز سجده نماز نافله صبح برداره . یک وقت ابن مجلم لعین شمشیر زهرآلودش را چنان بر فرق سر آقا علی علیه السلام فرود آورد که تاپیشانی فرق شکافته شد .

زمین و آسمان به لرزه درآمد و صدای خروش و شیون ملائکه های آسمان بلند شد و جبرئیل صدا می زند : ای وای بخدا ارکان هدایت در هم شکسته شد . . .

علی مظلوم کشته شد . . .

جبرئیل گوید کشته شد مولا . . . آه واویلا آه واویلا

صدای ناله علی علیه السلام بلند شد ، بخدای کعبه رستگار شدم .

تا صدای علی علیه السلام را مردم شنیدند همه بطرف محراب دویدند ، دیدند آن حضرت میان محراب افتاده و هی خاکهارابر می داره و روی شکاف سرمی گذاره .

تا این صدا را ام کلثوم دختر علی علیه السلام شنید ، هی دیدند توی صورتش می زنه و گریبان چاک می کنه ، فریاد میزنه : وا ابتا وا علیا وا محمدا وا سیدا ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام تا شنیدند از خانه بیرون آمدند ، دویدند طرف مسجد ، دیدند مردم دور علی علیه السلام را گرفتند ، دارند گریه و زاری و نوحه سرایی می کنند ، خودشان را دارن میزنند ، صدای وا اماماه و اعلیا شون بلند . (۴)

یک تُكِّ پا کربلا برویم ، آی حسینی ها ، آقایان

عزیز خواهران عزادار ، یک جا اینجا بود که ام کلثوم تو صورتش می زد ، یک روز هم دید دور حسینُ علیه السلام گرفتند ، یکی سنگ می زند ، یکی شمشیر می زند ، یکی نیزه می زند ، دیدند ام کلثوم داره می دود و توی صورتش می زند آی حسین . (۵)

نوحه و سینه زنی

مسجد کوفه لاله گون گشته

تارک مولا غرق خون گشته

جبرئیل گوید : کشته شد مولا

آه واویلا آه واویلا

اشک گلگون از دیده ها ریزد

آه جانسوز از سینه هاخیزد

اولین مظلوم رفت از این دنیا

آه واویلا آه واویلا

پهنه عالم زین جفا لزد

جن وانس امشب چون سما گرید

زین مصیبت شد بزم غم برپا

آه واویلا آه واویلا

شد خموش امشب شمع کاشانه

خانه مولا گشته غم خانه

موپریشان شد زینب کبری

آه واویلا آه واویلا

هم حسین گرید هم حسن گرید

شیعه را امشب مرد و زن گرید

همچو کلثوم از هجرت بابا

آه واویلا آه واویلا (۶)

یا فاطمه الزهراء یا بنت محمد یا قره عین الرسول ، یا سیدتنا و مولاتنا انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بک الى الله وقد مناک بین
یدی حاجتنا ، یا وجهه عند الله اشفعی لنا عند الله ،

روضه و مصیبت حضرت زهرا ام الائمه علیها السلام

بودی چراغ خانه ام زهرا ، یازهرا

تاریک شده کاشانه ام زهرا ، یازهرا

گوید حسین کو مادرم زهرا ، یازهرا

کو مادر غم پرورم زهرا ، یازهرا

ای نوگل پژمرده ام زهرا ، یازهرا

سیلی ز دشمن خورده ام زهرا ، یازهرا

بمیرم : نگذاشتند ، آب غسل پیغمبر خشک بشه ، یک وقت عمر دستور داد یک مشت هیزم بیارند و در خانه زهرا بریزند و
درخانه زهرا علیها السلام را آتیش بزنند .

نگذاشتند آب غسل پیغمبر خشک بشه ، بمیرم درنیم سوخته را عمر هل داد و بی بی فاطمه علیها السلام را بین در و دیوار قرار
داد و آنقدر در را فشار داد که صدای ناله بی بی بلند شد : (یاأبتا یارسول الله ، اهكذا کان یفعل بحبیبتک وابتکت)

بابا یارسول الله بین باحیبیه و دختر و میوه دلت چه کردند .

نگذاشتند آب غسل

پیغمبر خشک بشه ، جلوی علی ، فاطمه علیها السلام را کتک زدند و بازویش را شکستند ، خیلی سنگین برای مرد که زنش را جلوش کتک بزنند و آن مرد نتونه کاری انجام بده ، جلوی زهرا طناب گردن علی علیه السلام بیندازند . . . یازهرا . . . یازهرا (۷) .

نوحه و سینه زنی

بال و پر زد فاطمه در پشت در

شد فدا ما در به همراه پسر

ما در افتاد از نوا

غنچه شد از گل جدا

فاطمه یافاطمه

سینه ای کو را پیغمبر بوسه زد

میخ داغ در هم آخر بوسه زد

بر بهشت مصطفی

بوسه زد میخ ای خدا

فاطمه یافاطمه

پشت درب خانه افتاد از نفس

گفت یافضه بفریادم برس

فضه پهلویم شکست

محسنم در خون نشست

فاطمه یافاطمه

یا محمد لاله ات پژمرده شده

سینه ات از میخ در آزرده شده

کشته شد زهرای تو

ام ابیهای تو

فاطمه یافاطمه

یا ابا مُحَمَّد یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

یارب امام مجتبی مسموم کین شد

قلب شریفش پاره اندر راه دین شد

آمد ببالینش حسین با چشم گریان

زینب از این ماتم شده زار و پریشان

اندر جنان زهرا سیه پوش و غمین است

بهر حسن افسرده و زار و حزین است

هرمردی تو زندگیش هر دردی داشته باشه ، اول زنش خبردار می شه ، من بمیرم برای امام حسن علیه السلام که توی خانه اش هم غریب بوده ، یک وقت صدا زد ، کنیزها بگوئید زینب بیاید ، بی بی آمد ، صدا زد : حسنم چه شده ؟

فرمود : خواهرم ، حال منقلب است ، برو زود حسینم را خبر کن . بی بی آمد توی محله بنی هاشم ، در این خانه رامی زند ، حسینم داداش بیا ، عباس بیا ، عون بیا ، جعفر بیا ، همه بیاید ، ببینید حسنم چشه ؟

ریختند دور بستر امام حسن علیه السلام ، یک دفعه آقا

صدا زد : خواهرم ، زینب برو برام یک طشت بیار ، رفت یک طشت آورد ، آقا سرش را توی طشت کرد ، تا سر بلند کرد دیدند پاره های جگرش داخل طشت است .

ای اُف برتوای روزگار دو طشت به زینب نشان دادی ، میان یک طشت پاره های جگر امام حسن علیه السلام ، حسینی ها بگم آتیش بگیری ، میان یک طشت هم سربریده حسین . . . (۸)

نوحه و سینه زنی

گریه کن ای شیعه باصوت خزن

از برای قلب سوزان حسن علیه السلام

جعه ملعون از زهر جفا

زد شرر بر جسم و جان مجتبی علیه السلام

سوده الماس را آن بی حیا

ریخت و در کام عزیز مصطفی صلی الله علیه و آله

پیش روی خواهرش با چشم تر

ناله بنمود از سوز جگر

پاره های قلب خود با صد مَحَن

از دهان می ریخت شاه مُمتَحَن

دید زینب را اشاره می کند

با دو چشمانش نظاره می کند

از غم جانسوز مولانا حسن

شد زمین و آسمان بیت الحزن

آه و وایلا که شد با شور و شین

بی برادر شاه مظلومان حسین (۹)

يا ابا عبد الله يا حسين بن علي ، ايها الشهيد يا بن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توججها واستشفعنا وتوسلنا
بك الى الله وقد مناك بين يدي حاجتنا يا وحيها عند الهاشغ لنا عند الله ،

روضه و مصيبت حضرت سيدالشهداء عليه السلام

كربلا وارد بكويت شد حسين

ميهمان اندر سرايت شد حسين

بابوالفضل و عليا كبرش

وارد مهمانسرايت شد حسين

زينب و كلثوم و زنهاي حرم

عازم بزم بلايت شد حسين

اي زمين ز آنها پذيرائي نما

چون مقيم نينوايت شد حسين

خدا قافله دارد مي آيد كربلا ، يك وقت رسيدند به جائي

دیدند اسب امام حسین علیه السلام قدم از قدم بر نمی داره .

اسبش را عوض کردند ، دیدند راه نمی رود .

اسب دیگری آوردند ، آقاسوار شد ، دیدند ، قدم نمی زند .

یک وقت جوانها گفتند : آقا چرا این اسبها راه نمی روند .

فرمود : ببینید از این عربهای بادیه نشین کسی هست در این سرزمین ، اسم این زمین را بلد باشد .

پیرمردی را آوردند ، فرمودند : بابا اسم این زمین را می دانی ؟

گفت : بله آقا ، این زمین چند تا اسم داره ، قادسیه ، غاضریه ، شاطی ء فرات ،

آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟

چرا آقائینوا هم می گویند . آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟

چرا آقا اینجا را کربلا هم می گویند .

فرمود : آی جوانها ، بارها را پایین بیارید ، بار به منزل رسیده . . .

بار بگشائید اینجا کربلاست

آب و خاکش با دل و جان آشناست

السلام ای سرزمین کربلا

السلام ای منزل نور خدا

السلام ای وادی دلجوی عشق

وه چه خوش می آید اینجا بوی عشق

یک وقت صدا زد : ای برادرها ، ای پسر برادرها ، ای محرمها ، اول بروید زینب را پیاده کنید .

آمدند ، دور محمل خانم را گرفتند ، محترمانه زینب را پیاده کردند .

اف بر تو ای روزگار ، چند روزی بیشتر نگذشت ، باز همین زینب خواست سوار شود ، هر چه نگاه کرد ، دید یکنفر نیست

کمکش کند .

خدا یک وقت رویش را برگرداند طرف گودال قتلگاه ، صدا زد : حسین جان بلند شو زینب را سوار کن . (۱۰)

نوحه و سينه زنی

شه فرود آمد بدشت کربلا

گفت پس با آن زمین پُر بلا

ای زمین ای تربت عنبر سرشت

ای بتربت برتر از خاک بهشت

ای زمین از عرش اعلا برتری

چون مقام زاده پیغمبری

بعد از این خاک تو باشد مدفنم

تا قیامت در تو باشد مسکنم

سوی تو از مکه نازان آدمم

خود نه تنها با جوانان آدمم

آدمم تا در تو جان فانی کنم

در تو هفتاد و دو قربانی کنم

این من و این اکبر و این اصغرم

قاسم و عباس و عون و جعفرم

حالیا بر گو مرا مدفن کجاست

مدفن قربانیان من کجاست

راست بر گو ای زمین اندر کجا

دست عباسم شود از تن جدا

در کجا بر جان من آذر زنند

تیر بر حلق علی اصغر زنند

گو بمن قبر علی اکبر کجاست

حجله گاه قاسم مضطر کجاست

بر گلوی من کجا خنجر کشند

از سر زینب کجا معجر کشند

در کجا جسم مرا عریان کنند

پایمالم از سم اسبان کنند (۱۱)

يا أَيُّهَا الْحَسَنُ يا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ يا سَيِّدَنَا وَمَوْلانا إنا تَوَجَّهنا وَاشْتَشَفنا
وَتَوَسَّلنا بِكَ إِلى اللَّهِ ، وَقَدَّمناكَ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتنا ، يا وَجِيهاً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام زین العابدین علیه السلام

رهبر راه خدا سجاد زین العابدین

گوهر بحر صفا سجاد زین العابدین

نام او باشد علی بابش شهید حق حسین

در دو عالم رهنما سجاد زین العابدین

آقا امام سجاد علیه السلام توی این چند سال عمری که داشتند زجرها و رنجها و سختیها و اذیتهای زیادی کشیدند ، منجمله از
کربلا بگم :

حضرت از شدت مریضی و بیماری روی زمین افتاده بود که شمر وارد خیمه شد و تصمیم گرفت آقا امام سجاد را بکشد که
بی بی زینب خودش را

روی حضرت انداخت و فرمود: اول مرا باید بکشی بعد آقا را

یکی، از کربلا تا شام روی ناقه های عریان با تن تب دار و مریض و پا و دست و گردن رابه غل و زنجیر

یکی، توی کوفه مجلس ابن زیاد، آنملعون گفت: این مرد کیست، او را بکشید که باز بی بی زینب جلو آمد . . .

یکی هم مجلس یزید لعین، یزید پلید با چوب خیزران بر لب و دندان حسین علیه السلام

دل سودا زده ام ناله و فریاد کند

هر زمان یاد غم سید سجاد کند

بی گمان اشک به رخساره بریزد از چشم

هر که یادی ز گرفتاری سجاد کند

آقا تا چهل سال همه اش گریه می کرد، هر وقت غذا جلوش می گذاشتند گریه می کرد، آب می دید گریه بیشتر می شد، گوسفندی زبح می کردند آقا با شدت گریه می کرد. یکی از غلامان گفت: فدات بشم آقا میترسم از زیادی گریه از بین بروی . . . آقا می فرمود: چطور گریه نکنم در حالی که مقابل خودم پدرم را قطعه قطعه کردند برادرانم را پاره پاره کردند فامیلم را

آه بمیرم من نمیدانم این چه زهری بود که ولید (هشام) بن عبدالملک به حضرت خورانیید و آقا را مسموم کرد، که آقا هی بخودش می پیچید هی از هوش می رفت و دوباره بهوش می آمد و سوره واقعه می خواند . . . (۱۲)

نوحه و سینه زنی

غرق ماتم دل اهل یقین است

داغ عظمای

زین العابدین است

واشهیدا و اشهیدا

قلبش از زهرکین شد پاره پاره

از دل فاطمه خیزد شراره

واشهیدا و اشهیدا

آنکه آزرده از شام بلا بود

رهبر کاروان اسراء بود

پیکر پاک او دارد نشانه

پور زهرا کجا و تازیانه

واشهیدا و اشهیدا

گه بزندان و گه گوشه ویران

عمرش از داغ یاران شد پایان

همسفر با سر پاک شهیدان

شد نوازشگر قلب یتیمان

واشهیدا و اشهیدا (۱۳)

یا ابا جعفر یا محمد ، بِنِ عَلِيٍّ اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بِنِ رَسُولِ اللهِ يَا حُجَّهَ اللهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللهِ ، وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت باقر العلوم علیه السلام

پنجمین اختر برج ولایت

کشته شد مهدیا سرست سلامت

کشته مولا چو از زهر جفا شد

سوگواری از غمش ارض و سما شد

قلب شیعه نشان دارد ز داغش

جان بقربان قبر بی چراغش

از جفای هشام عالم غمین شد

چون بسوی جنان مولای دین شد

مهدی فاطمه بر تربت او

می فشاند سراشک از غربت او (۱۴)

آخ بمیرم ، زینی را زهر آلود کردند ، و به امر خلیفه ملعون (عبدالملک مروان) روی اسب گذاشتند و گفتند : باید آقا امام باقر علیه السلام سوار بر آن بشه ، آخ بمیرم ، حضرت را با اصرار سوار بر اسب کردند ، یک ساعتی نگذشت که آقا پیاده شد ، حال آقا را منقلب دیدند ، آقا از درد پا به خود می نالد ، (لا اله الا الله) این زهر چقدر قوی بوده که تمام بدن آقا ورم کرد و از درد بدن از حال و هوش می رفت ، درد تمام بدن فرزند زهرا را فرا گرفته ، این زهر چه زهری بود

که به سه روز نکشید که دیدند آقا جان داده .

حضرت به امام صادق علیه السلام وصیت کرده بودند ، پسر م ، جعفر م ، اگر از این دنیا رحلت کردم ، بده تا ده سال در ایام حج در منی برام عزادری کنند . . . بخاطر اینکه بچه های زهرا علیها السلام برای پدرشان دلتنگی نکنند و جای پدرشان راتاریک نبینند ، امام صادق بعد از رحلت پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام ، هر شب چراغی توی اطاق پدر بزرگوارشان روشن می کردند . (۱۵)

ولی دلها بسوز برای آن بچه هایی که شام عاشورا در آن تاریکی های بیابان روی خارهای مگیلان می دویدند و بابا بابا می کردند

نوحه و سینه زنی

شد حضرت باقر مسموم اعدا

شهر مدینه شد یکباره غوغا

واویلا واویلا ، آه واویلا

در ماتمش شیعه محزون و زار است

در سوگ جانسوزش دل ها فکار است

شد در جهان خاموش اختر دلها

آه واویلا ، آه واویلا

واویلا واویلا ، آه و واویلا

آنکو که با دین جدش پیمبر

و ز نور علم خود عالم منور

نموده با امر خلاق یکتا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا ، آه واویلا

آن رهبری کاندرا کربلا بود

خود شاهد جنگ خون خدا بود

با داغ مولا رفت از دار دنیا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا ، آه واویلا

بر حضرت باقر گرم عزائم

از داغ جانکاهش نوحه سرائیم

سرشک غم باریم از هجر مولا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا آه واویلا (۱۶)

یا ابا عبید الله یا جعفر بن محمد ، ائیهما الصیادقُ یا بن رسول الله یا حجه الله علی خلقه یا سیدنا ومولانا انا توجهننا واستشمننا
وتوسلنا بک الی الله وقد مناک بین یدی حاجتنا ، یا وجیها عند

اللّٰهُ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام صادق علیه السلام

مجری احکام حق قرآن ناطق کشته شد

نوح آل مصطفی امام صادق کشته شد

میوه قلب نبی چشم چراغ بو تراب

پیکرش از آتش زهر ستم گردیده آب

آن ولی حق که باشد خلق عالم را شفیع

از چه یا رب تربتش زائر ندارد در بقیع

بخاطر اینکه بچه های زهرا علیه السلام را بیشتر اذیت و آزار و شکنجه روحی و جسمی دهند ، کارهای فوق العاده ای میکردند ، نیمه های شب همه خوابند ، منصور دوانقی (لعنه الله علیه) دستور داد بریزند منزل آقا امام صادق و با همان حال حضرت را به دارالخلافه بیاورند ، آن مامور خود فروخته درباری نیمه های شب ، با سر برهنه این پیرمرد الهی را بدون هیچ پوششی پیش آن لعین می برد ، آن لعین به آن حضرت جسارت و خشونت و بی ادبی می کرد .

خدا لعنت کند منصور دوانقی را ، دستور داد امام صادق را زهر بدهند ، انگوری را بزهر آلوده کردند و حضرت را مسموم کردند ، آخ بمیرم این چه زهری بود که آقا را بستری کرد تمام گوشتهای بدن حضرت را آب کرد ، و حالشان خیلی وخیم و بد شد و ایشان را ضعیف و لاغر کرد .

می گوید : رفتم به دیدن آقا دیدم فرزند زهرا لاغر و نحیف و ضعیف شده تمام گوشتهای بدن ریخته ، از شدت درد ، هی بیهوش می شد و هی بهوش میاد از شدت ناراحتی گریه ام گرفت . یک روز منصور لعین دستور داده بود خانه امام صادق علیه السلام را آتش بزنند ، می گوید دیدم آقا خیلی

ناراحت و گریان است ، گفتم قربانت بشوم چرا گریه می کنید و ناراحت هستید ؟ فرمود : وقتی که منصور لعین خانه ام را به آتش کشید من توی خانه بودم دیدم اهل بیتم از ترس وحشت سر و صدا و شیون می کنند و این طرف و آن طرف می دوند تا آتش به آنها اثابت نکند ، من بیاد اهل بیت جدم حسین افتادم که روز عاشورا وقتی خیمه ها را آتش زدند و بچه های حسین از ترس و وحشت رو به بیابانها کردند . . . حسین حسین علیه السلام حسین . (۱۷)

نوحه و سینه زنی

صادق آل محمد کشته شد

قلب پاکش از جفا آزرده شد

عاقبت از کینه منصور دون

سوی جنت با دلی صد پاره شد

زهر او در پیکرش بنمود اثر

قلب زهرا در جنان افسرده شد

در غم و سوک عزا یثرب شده

قاتل بی دین او شرمنده شد

پیکرش بر روی دست شیعیان

در بقیع آن جسم اطهر برده شد

موسی جعفر عزادار پدر

گرد غم بر شیعیان پاشیده شد (۱۸)

يا ابا الحسن يا موسى بن جعفر ، ايها الكاظم يا بن رسول الله يا حجة الله على خلقه يا سيدنا ومولانا انا توججنا واستشفعنا وتوسلنا بك الى الله وقد مناك بين يدي حاجتنا ، يا وحيها عند الهاشغ لنا عند الله .

روضه و مصیبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

کنج زندان بلا مسکن و ماءوای من است

ناله و آه و فغان مونس شبهای من است

جای نمناک و سیه چال و دراین کنج قفس

سندی شاهکک دون باعث غمهای من است

یا رب از مجلس هارون ، تو خلاصم بنما

رستن از بند عدو حکم تبرای من است (۱۹)

چهارده سال از این زندان به آن زندان ، یکسال زندان بصره عیسی بن جعفر ، حدوده ده سال زندان فضل بن ربیع و مدت زیادی زندان فضل بن یحیی و این او آخر تحویل سندی بن شاهکک یهودی ملعون (پیغمبر فرمود : هیچ قومی مانند یهود مرا اذیت نکرد) هارون رشید لعین به سندی بن شاهکک دستور داده ، تا می تونی موسی بن جعفر علیه السلام را اذیت کن و او را از بین ببر .

آن یهودی هم بعد از شکنجه های روحی و جسمی امام راباچند خرمای زهر آلود مسموم و شهید کرد ، هارون گفت : بدن فرزند زهرا را بدون تشریفات

ببرید .

جلوی مقابر قریش (در یک فرسخی بغداد) بخاک بسپارید ، جنازه آقا را چهار حمال با خفت و خواری از زندان بیرون آوردند . تا سه روز بدن را آنجا گذاشتند . سلیمان بن ابی جعفر برادر هارون وقتی این وضع اسف بار و خفت بار را دید خیلی متاثر شد ، عمامه خود را از سرش انداخت و گریبان چاک زد و با پای برهنه کنار پیکر فرزند زهرا آمد . (۲۰)

دستور داد ، بدن بچه زهرا علیه السلام را با عزت و احترام تشییع کنند ، لکن هر دوست و دشمن که زیر جنازه می رفت و بر می گشت مثل ابر بهار گریه می کرد ، می گفتند : آقا چرا گریه می کنی ؟ می گفتند : آخه وقتی زیر جنازه می رفتیم هنوز صدای زنجیر پای مبارکش بگوش می رسید ، چون پسر فاطمه وصیت کرده بود مرا با همان غل و زنجیر پایم دفن کنید . (۲۱)

در کنج زندان بلا ، آه واویلا

جان می سپارم ای خدا ، آه واویلا

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

در زیر زنجیر گران ، نیمه های شب

گریم به یاد کوفه و عمه ام زینب

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

در زیر زنجیر گران جان فدا کردم

بر جد مظلوم حسین ، اقتدا کردم

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

ای خاک زندان بلا ، قتلگاه تو

امشب تا سحر نقش زمین ، روی ماه تو

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

در گوشه زندان خموش ، شد مناجات

بعد از شهادت آمدند بر ملاقات

واويلتا واويلتا ، آه واويلا (٢٢)

يا ابا الحسن يا علي بن موسى ايها الرضا يا بن رسول الله يا حجة الله على خلقه

يا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَتِنَا ، يا وَجِيهًا عِنْدَ اللّٰهِ شَفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ .

روضه و مصيبت حضرت امام رضا عليه السلام

آمدم ای شاه پناهم بده

خط امانی ز گناهم بده

ای حرمت ملجاء در ماندگان

دور مران از در راهم بده

در شب اول که بقبرم نهند

نور بدان شام سیاهم بده

ای که عطا بخش همه عالمی

جمله حاجات مرا هم بده (۲۳)

(آقا امام رضا علیه السلام) فرمود : اباصلت من توی مجلس مامون می روم ، اگر دیدی بیرون آمدم عبا بر سر کشیدم ، دیگه با من حرف نزن ، اباصلت میگه : آقا رفت توی مجلس مامون طولی نکشید بیرون آمد ، دیدم حالش منقلب است ، عبایش راروی سرش انداخته ...

داخل خانه شد ، صدا زد : اباصلت در خانه را ببند ... در اتاق را ببند ... فرشها را جمع کن ... می خواهم غریبانه جان بدم ، اباصلت میگه : در خانه را بستم ، در اتاق بستم گاهی می آمدم ، توی اتاق نگاه می کردم ، می دیدم آقا مثل شخص مار گزیده به خودش می پیچد ، هی بلند می شه ، هی می شینه ، یک وقت دیدم آقا بی اختیار به زمین افتاد .

آمدم توی صحن خانه - ناراحت بودم ، یک وقت دیدم یک آقازاده ای ۷ - ۸ ساله ای آن گوشه حیاط پیداش شد ، دویدم جلو ، آقاجان من که در را بسته بودم ، شما از کجا آمدید ؟ ! صدا زد : اباصلت بابام کجاست ؟ آن قادری که مرا از

مدینه به یک چشم بهم زدن به طوس رسانده قدرت داره که از در بسته هم مرا وارد خانه کند ، آمد طرف حجره آقا ، من دنبال سر آقازاده آمدم : رفتم بینم این پدر و پسر وقت ملاقات چه می کنند .

میگه : یک وقت تا وارد حجره شد ، دیدم امام رضا علیه السلام بلند شد بچه اش جواد را بغل کرد میوه دلش ، پاره تنش را دو سال ندیده ، می گه : آمدم سر به دیوار گذاشتم داخل خانه زار زار گریه می کردم ، طولی نکشید یک وقت دیدم آقازاده آمد ، اما حالش پریشان است . گفتم : آقا جان چرا ناراحتی ؟ !

صدا زد : اباصلت بابام از دنیا رفت . (۲۴)

نوحه و سینه زنی

اسلام ای شهید خراسان

ای پناه دل بی پناهان

ای گل پرپر باغ حیدر

پاره قلب موسی بن جعفر

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان

تو جگر گوشه مرتضایی

تو علی بن موسی الرضایی

جان زهرا و جان جوادت

وقت مردن ز ما کن عیادت

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان

مصطفی را تو نور دو عینی

حافظ خون سرخ حسینی

یک نظر کن بر این قلب خسته

جان زهرای پهلو شکسته

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان ، (۲۵)

يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يَا حُجَّهَ اللهِ عَلَيَّ خَلَقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام جواد علیه السلام

ای ولی کبریا جواد الائمه

مظهر جود خدا جواد الائمه

مهر جهانتاب آسمان کرامت

ابر عطا و سخا جواد الائمه

غرق گناهیم همه امید توئی تو

رحمت بی منتها جواد الائمه (۲۶)

آخ بمیرم امام جواد علیه السلام بیست و پنج سالش بوده ، امان از دشمن خانگی ، زنش دختر عبدالله مامون ام الفضل بود ، شوهرش را مسموم کرد ، وقتی آقا را زهر داد در حجره را بروی آقا بست ، پسر فاطمه هی صدا می زد : ام الفضل جگرم از تشنگی می سوزد یک مقدار آب بده ولی این نانجیب اعتنا نمی کرد . امام جواد علیه السلام میان حجره ناله می زد ، ام الفضل ترسید صدای ناله آقا به گوش همسایه ها برسد ، این نانجیب به کنیزها گفت : برید بشینید و کف بزینید ، پسر فاطمه

علیه السلام داره ناله می کند ، اینها کف می زنند ، ای غریب آقا ، مظلوم پسر فاطمه علیه السلام .

یک وقت دیدند صدای ناله آقا دیگه نمی آید ، ام الفضل دستور داد در اتاق را باز کردند ، دیدند آقا بالب تشنه جان داده ، آیا دستور داد شیعه ها را خبر کنند ؟ خیر ، این ملعونه دستور داد که بدن آقا را بالای بام ببرند ، سه روز بدن بالای بام بوده ، یک روز یکی از شیعه ها آمد از دم خانه ام الفضل رد بشه ، نگاه کرد طرف بام خانه ، دید یک مشت کبوترها بالهایشان را به هم داده اند یک چیزی را سایه کرده اند ، یک وقت در خانه وا شد کنیزی بیرون آمد ، صدا زد : کنیز بالای بام چیه ؟

گفت : مگر نمی دانی ؟ گفت : نه ! گفت : بالای بام بدن میوه دل زهرا جواد الائمه است . (۲۷)

نوحه و سینه زنی

جواد الائمه تو نور خدائی

مه برج احسان تو ابن الرضائی

نما یک نگاهی سوی مستمندان

تو دریای جودی تو بحر سخائی

شهید از ره کین شدی در جوانی

توئی روح ایمان رضا بر قضائی

اگر زهر کین زد بجانت شراره

به بالین نبودت اگر آشنائی

بمانند جدت که لب تشنه جان داد

پی حفظ اسلام و گشتی فدائی

توبا قلب پر خون برفتی ز دنیا

ترا شد شهادت حیات نهائی

نظر کن ز احسان به جمع محبان

توئی مظهر حق توکان عطائی (۲۸)

يا أَيُّها الحَسَنُ يا عَلِيُّ بنَ مُحَمَّدٍ أَيُّها الهادِي النَّقِيُّ يا بنَ رَسولِ اللَّهِ يا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَي خَلقِهِ يا سَيِّدنا وَمولانا اإِنّا تَوَجَّهنا واسْتَشْفَعنا
وَتَوَسَّلنا بِكَ

إِلَى اللَّهِ وَقَدْ مَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام هادی علیه السلام

هادی دین شمس ولایت توئی

چشمه احسان و کرامت توئی

ای که توئی آینه بوتراب

هر دو جهان ذره و تو آفتاب

کوثر و لطف و کرم و عدل و داد

نور دو چشمان امام جواد

معتز پُر کینه و بی عدل و داد

عاقبت الامر ترا زهر داد (۲۹)

خدا همه خلفای عباسی مخصوصاً متوکل عباسی را لعنت کند ، این مرد خیلی خبیث و بد طینت و ظالم بود .

(همین بود که راه را به زوار ابی عبد الله الحسین علیه السلام بست و قبر امام حسین علیه السلام را خراب کرد و داد آب انداختند و شخم زدند ، اینقدر این مرد ظلم بوده ، بقول آقا امیرالمؤمنین علیهم السلام : (عاشرهم اخبثهم) ، دهمین خلیفه عباسی بدترین و خبیث ترین و ظالم تر آنها است) .

این نانجیب خیلی امام هادی علیه السلام را اذیت کرد ، اصلاً با آل علی علیه السلام و بچه های زهرا علیهم السلام خیلی دشمنی و کینه عمیقی داشت ، رنجها و سختی هایی که در عصر او به آل علی علیه السلام رسید در هیچکدام از خلفای عباسی نرسیده .

آن حضرت را می خواست خوار کند از مدینه به سامرا که پایتختش بود دعوت کرد ، وقتی حضرت سامرا آمد ، آن آقا را تا مدتها در کاروانسرای بی کسان و غریبان و گداها منزل داد .

شب و روز در صدد اذیت و آزار و اهانت به ساحت مقدس امام هادی علیه السلام بود ، هر کاری که از دستش بر می

آمد نسبت به آقا میکرد .

یک مدت در محبس زندان سعید حاجب نگه داشت تا آقا را شکنجه دهد و بکشد .

قبری جلوی آقا می کنند که پسر فاطمه علیه السلام را زجرکش کنند .

شبانۀ توی خانه آقا میریختند تا آقا استراحت نداشته باشد ، حدود بیست سال آقا را تبعید و دربدر و زندانی کرد .

متوکل بخاطر اینکه شکنجه های روحی بدهد آقا را سر سفره شراب می آورد و به آقا تعارف می کرد تا پسر زهرا ناراحت بشه .

آقا را غریب و مظلومانه و بی کس شهید کردند . وقتی که متوکل بدرک رسید ، پسرش المعتز با امام هادی علیه السلام بر خوردهای شدیدی کرد و برای کشتن امام با برادر زاده اش معتمد عباسی همدست شدند ، غذایی به زهر آلوده کردند و فرزند زهرا را غریبانه و مظلومانه مسموم و شهید کردند ، بمیرم چه گذشت به امام حسن عسگری توی شهر غریب دور از وطن هیچکس را ندارد .

وقت شهادت سر بابا را بدامن گرفت و برای مظلومی و بی کسی باباش امام هادی علیه السلام گریبان چاک زد و غریبانه گریه می کرد . (۳۰)

ولی این کار کربلا بر عکس شد پدر سر بالین پسر آمد سر علی اکبر علیه السلام را به دامن گرفت . . .

نوحه و سینه زنی

یا علی النقی جانها فدایت

شیعیان چشم گریان در عزایت

یا حجه الله ، اجرک الله

سامره در غمش ماتم سرا شد

غرق در زاری و شور و نوا شد

یا حجه الله ، اجرک الله

ای دهم حجت خدای منان

جان سپردی بمانند غریبان

ياعلى النقى اى نور يزدان

جان سپردى براه دين

ياحجه الله ، اجرک الله

جان فدای تو ای امام مظلوم

ای به زهر ستم گردیده مسموم

یا علی النقی امام هادی

ای که از زهر کین از پا فتادی

ياحجه الله ، اجرک الله

يا ابا مُحَمَّد يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسِيْ كَرِيُّ يَا بْنَ رَسُوْلِ اللهِ يا حُجَّهَ اللهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ يا سَيِّدَنَا وَمَوْلانا اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاشْتَشَفْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا يا وَجِيهاً عِنْدَ اللهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شهید زهر جفا یا حسن عسکری

کشته راه خدا یا حسن عسکری

پور علی النقی سرور اهل یقین

کن نظری از کرم به زمره مؤمنین

شفیع روز جزا رهبر دنیا و دین

نتیجه طا و ها یا حسن عسکری (۳۱)

بمیرم ، امام حسن عسکری علیه السلام ۲۸ ساله بوده ، خدا لعنت کند خلفای عباسی را که چقدر ظلم کردند و بچه های زهرا علیهم السلام را اذیت کردند ، متوکل یک جور ، پسر لعینش المعتز یک جور ، مهتدی با الله جور دیگر ، معتمد هم . . . ،

عصر امامت امام حسن عسکری علیه السلام مصادف با حکومت سه طاغوت بود که گفتیم : المعتز ، المهتدی ، المعتمد که خدا هر آن به آن عذاب همه شان را زیاد کند ، آن بزرگوار از ناحیه این سه ظالم چه ستمها و شکنجه ها و آزارها و اهانت ها و زندانها که ندید .

امام حسن عسکری علیه السلام در دوران امامت و زندگیشان همیشه تحت نظر و فشارهای سخت و همیشه توی زندانها بسر

می برده ، به رئیس زندان صالح بن وصیف گفته بود تا می تونی توی زندان زندگی را به فرزند

زهراتنگ کن و سخت بگیر . صالح هم دو نفر مامور مخصوص شکنجه و آزار حضرت کرده بود ، و سخت می گرفت ، یک مدتی هم در زندان نحریر خبیث ترین افراد و خشن ترین اشخاص است و آنها هم از شکنجه هر چه از دستشان بر می آمد انجام می دادند .

هر چه زنش می گفت : اینقدر بچه های زهرا را اذیت نکن از خدا بترس ، می ترسم خدا بلایی سرت بیاورد ، ولی آن نانجیب گوش نمی کرد و لج می کرد و می گفت : امروز امام شما را توی باغ وحش می اندازم که خوراک حیوانات درنده شود . وقتی این کار را کرد ، دید تمام حیوانات دور فرزند زهرا علیه السلام را گرفته ، گریه و خروش خوش آمد و صورت روی قدمهای حضرت می گذارند . .

آقا یک مدت در زندان علی بن حنین ، یک مدت در زندان علی بن اوتاش که آن هم از افراد بی رحم خوانخوار بود و از دشمنان سر سخت آل محمد علیهم السلام بود و به او دستور داده بودند بچه های زهرا علیه السلام را هر جور شکنجه و آزاری می خواهی بده ، و معتمد لعین بطور مرموزی که کسی متوجه نشود ، فرزند زهرا را زهر داد و مسموم کرد . بمیرم نمی دانم این چه زهری بود که تمام قدرت حضرت را گرفته بود که امام حسن عسکری علیه السلام هی بیهوش می شد و بهوش می آمد تا اینکه یک وقت دیدند آقا جان داده . . . (۳۲)

نوحه و سینه زنی

گشت بابای تو مسموم

از جفایابن الحسن

سوخت از زهر ستم سر تا به پا یابن الحسن

من نمی دانم چه زهری بود آن زهر جفا

کرد او را از عزیزانش جدا یابن الحسن

عسکری شد کشته از زهر جفای معتمد

عالمی ماتم سرا شد زین عزا یابن الحسن

شد نه تنها قلب پاکت در عزایش داغدار

سوختی چون شمع در این ماجرایابن الحسن

لیک از داغ حسین نوجوانانش مدام

اشک میباری بهر صبح و مسا یابن الحسن

گاه یاد ذوالجناح و یال خونین می کنی

آن زمان کامدبسوی خیمه ها یابن الحسن (۳۳)

يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّهَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

فراق امام زمان

ای نور چشم زهرا یا بن الحسن کجائی

ای شمس آل طاها یابن الحسن کجائی

جانهای عاشقانت بر لب رسیده شاها

خورشید عالم آرا یابن الحسن کجائی

از مرحمت نگاهی خون شد دل فکارم

درباب عاشقان را یابن الحسن کجائی

تا کی تو اندر این دل هجر تو را تحمل

بر لب رسیده جانها یابن الحسن کجائی (۳۴)

یکی از وظایف ما در زمان غیبت حضرت حجه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء در فراق آن حضرت مهموم و مغموم و گریان شدن است و این کار یکی از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است ، گریه برای آن حضرت از شدت شوق باید مثل کسی باشد که مریض است و دلش از شدت درد می جوشد ، انس و الفت به امام را در دل خود زیاد کنید ، چون امام صادق علیه السلام فرمود : هر کس دلش

بخاطر ما به درد آید و گریان شود وقت مرگ با ملاقات مادش شاد می شود .

بمیرم برای امام زمان که چه مصیبتها کشیده و می کشد که قابل شمارش نیست ، خود امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجُهُ الشَّرِيفُ برای مصیبتهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و دختر عزیزش حضرت زهرا علیها السلام و ائمه و همه مردان خدایی که در راه اسلام کشته و شهید و مجروح شده اند .

و برای مصیبتهای جانسوز و غمباری که بر جَد بزرگوارش امام حسین علیه السلام وارد شده که هیچ کس عمق این فاجعه را مثل امام زمان (عج) درک و لمس و حس نمی کند . آن حضرت به یاد مصائب جانگداز و جگر سوز امام حسین علیه السلام می فرماید : اگر زمانه بین من و شما را تاخیر انداخت و در آن زمان نبودم شما را یاری کنم اما حالا هر روز و شب به یاد مصیبتهای درد ناک شما گریه می کنم و از صبح تا شب ندبه و گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود در عوض خون برایت گریه می کنم ، یا جدا فراموش نمی کنم ، آن وقت و ساعتی را که عمر سعد معلون به لشکرش دستور داد : نگذارید آب به خیام حرم حسین وارد شود ، و همه بشما حمله کردند و بدن نازنین شما را آماج تیر و نیزه ها قرار دادند و از هر سو شما را محاصره کردند و هر کدام با اسلحه ای بدن شما را مجروح کردند و داغ زخم بر بدنت گذاشتند . (۳۵)

نوحه و سینه زنی

زنم هرشب از دل

تا کنم جان خود را فدایت

دل زهجرتو دریای خون است

ای بقربان قد رسایت

با مژه خاک راه تو روبم

سویم از مرحمت کن عنایت

عاشقم من برجمالت در کجائی

باشدم دل در خیالت در کجائی (۳۶)

دعای توسل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ، يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْمَجْتَبِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ . يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلَى

خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ ، بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، أَيُّهَا الصِّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ .

إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّضَا يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَيَّ

خَلَقَهُ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الرَّكِيُّ الْعَسِيْرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَالْخَلْفَ الْحُجَّهَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمِ فَقْرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ ، فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ ، وَاسْتَنْقِدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ ، فَإِنَّكُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَبِحَبِّكُمْ وَبِقُرْبِكُمْ .

أَرْجُو نَجَاةَ مَنْ لِيهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَعَنَّ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ . آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

پی نوشتها

(۱) جلالیون ۱ . ۷۴ ، ۷۵ باب زندگانی ووصایای آن حضرت درباره حضرت فاطمه (س)

(۲) جلالعیون ۲ . ۵۸۹ وقایع بعد از شهادت

(۳) سوگنامه اهل بیت ۲۵ .

(۴) جلال العیون ، ج ۱ ، کیفیت شهادت آن حضرت

(۵) ج ۲ وقایع روز عاشورا

(۶) شعر : از کتاب نغمه های کربلا ، ج ۲ ، ۳۷ ،

(۷) جلاء العیون ج ۱ کرامات الفاطمیه قسمت سوگنامه

(۸) جلالعیون ج ۱ ، بلبل بوستان حضرت

مهدی ج ۲. ص ۱۴۱.

(۹) جلال‌العیون ج ۱، بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۲. ص ۱۴۱.

(۱۰) ناسخ تواریخ زندگینامه امام حسین علیه السلام وبلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ ص ۲۱۶

(۱۱) نغمه های کربلا ج ۱ ص ۷۱.

(۱۲) جلاء‌العیون ج ۲ زندگانی وشهادت حضرت امام سجاد.

(۱۳) نغمه های کربلا ج ۲ ص ۱۵۸.

(۱۴) نغمه کربلا ج ۲ ص ۱۴۶

(۱۵) جلال‌العیون ج ۲ شرح وفات ووصیت آن حضرت (امام باقر (ع)

(۱۶) نغمه های کربلا ج ۲ ص ۱۶۵.

(۱۷) جلال‌العیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت (امام صادق)

(۱۸) دیوان محبت ص ۱۴۰.

(۱۹) دیوانه محبت ۱۴۵.

(۲۰) جلاء‌العیون ج بخش ستمهای وارده برآنحضرت (موسی بن جعفر)

(۲۱) منهاج البیان ۳۳۵

(۲۲) سوگنامه اهلیت علیهم السلام ۱۵۲.

(۲۳) لاله های عشق ۲۱۰

(۲۴) جلاء‌العیون ج ۲ احوالات وشهادت امام رضا (ع) بلبل بوستان مهدی (عج) ج ۳/۱۲۶

(۲۵) داستانهایی از امام رضا (ع) ۱۸۴

(۲۶) آینه درارن نور ۱۳۴.

(۲۷) جلال‌العیون ج ۲ شهادت آن حضرت - بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ ص ۲۱۲

۲۸) نغمه های کربلا ج ۱ ص ۱۳۶ .

۲۹) آینه داران نور ۱۴۰

۳۰) جلاء العیون ج ۲ شهادت آن بزرگوار

۳۱) شعر: از نغمه های کربلا، ج ۱، ۱۴۴ .

۳۲) جلاء العیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت

۳۳) شعر: از نغمه های کربلا، ج ۳ ص ۱۸۱

۳۴) دیوان لاله های محبت ،

ص ۹۰.

(۳۵) الوقایع والحوادث ج ۳، ص ۳۰۱.

(۳۶) دیوان لاهای محبت، ص ۷۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

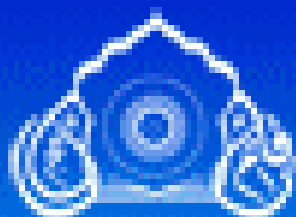
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹